

بسم الله الرحمن الرحيم

روش مطالعه و بررسی

روابط بین المللی

(ترجمه و تحریر)

مطالعه روابط بین الملل ، بطور علمی ، مستلزم پیروی از روشهای تحقیق و بررسی نظام یافته است . بحث زیر که ازیکسو ، در فصل مربوط به حقوق بین الملل ، سازمانها و روابط بین المللی و ازسوی دیگر در فصل ویژه روش ها و فنون تحقیق قرار میگیرد ، در دو بخش : « روشهای بررسی و مشاهده » و « روشهای تفسیری » کلیات چگونگی استفاده از این وسائل و ابزار فنی تحقیق را مطرح می کند . مباحث این دو بخش ترجمه و تحریر قسمت ((شناسائی روش)) کتاب «جامعه شناسی روابط بین المللی» است که نام و نشان آن در پایان این نوشته آمده است . بخش اول مطلب در این دفتر به چاپ میرسد و بخش دوم در دفتر سوم عرضه خواهد شد انشاء الله .

مقدمه

مقوله روابط بین المللی در زمره مقولات و اسرار اجتماعی است ، بنابراین روشهای بررسی و تتبع آنها نیز باید همان روشهای معمول در حوزه علوم اجتماعی باشند . اما نباید از نظر دور داشت که این روابط ویژگیهایی نیز دارند ، در نتیجه بایسته است بپرسیم آیا بواسطه همین ویژگیها نباید به روشها با دقتی بیشتر نگریست و دخل و تصرف لازم در آنها به عمل آورد؟ پاسخ به این پرسش مثبت است . میدانیم که مطالعه روابط بین الملل ، غالباً به مسائل و معضلات عصر حاضر نظر دارد و راستی را بخواهیم موقعیت این مسائل و جریان روزمره آنها بگونه ایست که در میدان عمل صبورانه و وسواس آمیز مورخ جای نمی گیرد و از این عرصه گریزان است . همچنین سئوالی که عنوان شد در زمینه تفسیر وقایع نیز مطرح میشود . در واقع اگر گمان کنیم که گردآوری اسود هر چند بطور دقیق مورد مشاهده و بررسی واقع شوند - یک کار علمی پرمایه رابه سامان میرسانند ، دچار توهم شده ایم . نتیجه آنکه تفسیر و تدبیر جامعه شناسان ، بعنوان فعالیت علمی واسط میان نظریه و حادثه مورد مشاهده ضرورت دارد ، و این امر خود مستلزم استفاده از ابزاری مفهومی است که در این زمینه قابل اعمال باشد . بنابراین هم باید از روشهای بررسی و مشاهده بهره گرفت و هم به کار تفسیر پرداخت

بخش اول

روشهای بررسی و مشاهده

بررسی و مشاهده علمی هیچگاه در یک احراز ساده خلاصه نمیشود. حتی در صورتیکه این احراز توسط شاهد عینی و مستقیم در صحنه حادثه یا نبرد، یا واقعه حاصل شده باشد. زیرا شاهد، تنها جزئیات را می بیند و غالباً از توجه به مجموع جریان غافل و از داشتن نظری مجموعی ناتوان است. پس جستجو و پژوهش باید برپایه مواد و مصالح مطالعاتی و تحقیقی استوار باشد. وظیفه متخصص آنست که پیش از بهره برداری از این مواد و مصالح، به گردآوری و ارزیابی و تلفیق آنها بپردازد.

در این بحث میان آنچه ناشی از بررسی و مشاهده مستقیم است، و آنچه از بررسی نظم و نسق یافته و مرتب شده از راه احصاء و اندازه گیری، بدست سیاید قائل به تفصیل میشویم و هر یک از این دو نکته را جداگانه مورد بحث قرار میدهم.

۱

بررسی و مشاهده مستقیم

در بررسی مستقیم کوشش بر آن است که حادثه یا قطعه ای از حوادث به مدد یک رشته از دلائل غیر قابل گفتگو بازسازی شود. مورخان با این روش آشنا هستند و از چندین قرن پیش تکنیکها و فنی را سروسامان داده اند که به گردآوری و نقد و بررسی مدارک و اسنادی میپردازند که بر مبنای آنها گذشته بازسازی میشود. بنابراین چنانچه بهره گیری از تعالیم منظم تاریخ نگاری ضرورت نداشته باشد حداقل، همیشه مفید فائده است. در حال حاضر مفهوم تحقیق تاریخی نیز به نسبت دوره های قدیم توسعه یافته است و اکنون دیگر مورخانی که در مطالعه روابط بین الملل تخصص دارند، کار تحقیقات خویش را محدود به تاریخ « دیپلماتیک » نمی نمایند، یعنی به تاریخ مدارک و اسناد رسمی که توسط حکومتها رد و بدل میشود اکتفا نمی کنند و به وجوه دیگری هم که کند و کاودر آنها دشوارتر است میپردازند. کاوشهایی نظیر بررسی نقش « نیروهای ژرفائی » جامعه های مختلف از جنبه بین المللی، و نیز نقش شخصیتها از این قبیل اند. یادآوری این نکته بجاست که هر چند میدان تحقیق و حوزه جستجو، گسترش یافته، اما از دقت و سخت گیری در مطالعه پدیده ها کاسته نشده است.

بهرحال در زمینه مورد بحث باید در پی روشهایی بود که بطور نظام یافته توسط مورخان

روش مطالعه و بررسی روابط بین‌المللی / ۱۱۳

به کار گرفته میشود، اما با نزدیک شدن به بررسی حوادث عصر حاضر دشواری کار تحقیق سخت افزایش مییابد. بخش زیادی از مدارک و اسناد برای مدت سی سال در آرشیوها و بایگانیها مدفون‌اند و عنوان محرمانه و سری دارند. بدین ترتیب چون دسترسی به آنها که منابع اصیل کار تحقیق تلقی میشوند عملی نیست، ناگزیر پژوهشگر اگر نخواهد از کار خویش صرف‌نظر کند باید به دیگر مواد و مصالح مطالعاتی، که اینجا و آنجا به وی عرضه میشود، بسنده نماید. اکنون بینیم که این مواد از چه قبیل‌اند و برای استفاده از آنها چه احتیاط‌هایی را باید به کار برد؟

الف - مدارک و اسناد رسمی

طبعاً مدارک و اسناد رسمی در ردیف اول قرار میگیرند و از این دسته‌اند: عهدنامه‌ها، اعلامیه‌ها، اطلاعیه‌ها، خطابه‌ها، کنفرانس‌های مطبوعاتی و مذاکرات مجلس و... بطور کلی، تحقیق در باره اصالت این منابع آسان است اما لزوماً حدود و ثغور معنی آنها را به همین آسانی نمی‌توان معین ساخت. در این زمینه، مسأله ترجمه یک متن از زبانی به زبان دیگر، جزو دشواریهای درجه اول است. نتیجه ماجرا گهگاه اختلاف در تفسیر است، که در بسیاری از موارد نیز نمی‌توان بر آنها فائق آمد. از جمله مثالهای بارز این جریان، قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت است که پس از جنگ اکتبر ۱۹۶۷ به تصویب رسیده است. در ترجمه فرانسه قطعنامه، اشغالگر به «تخلیه سرزمینهای اشغالی» ملزم شده است. حال آنکه در ترجمه انگلیسی تعبیر «of occupied territories» آمده است. بدیهی است که هر یک از طرفین درگیر از سال ۱۹۶۷ به این سو در پشت تعبیری که از نظر آنها مساعدتر است، سنگر گرفته‌اند.

مشکل دیگر مربوط به برد موضع‌گیری‌ها... ای بیشمار است که منسوب به مسئولان سیاسی و گروه‌ها و نهضت‌های سیاسی درگیر، در صحنه بین‌المللی می‌باشد. در موارد فراوان، هدف از این موضع‌گیریها عرضه مطالبی است که مسئول مربوط در اندیشه استفاده خارجی از آن است. بنابراین موضع‌گیریهای مذکور لزوماً و همواره با رفتاری تناظر ندارد که در میدان عمل اتخاذ نمیشود. در جامعه‌ای که ارتباط جمعی حکمرواست، خطابه‌هایی که طرف‌انها آن‌ها را بعنوان عناصر استراتژی‌ای تلقی میشوند که بنایش بر جستجوی راه نفوذ در دل مردم و تأثیر در روحیه آنهاست. اما اگر بخواهیم که محتوای این خطابه‌ها را عیناً منظور نظر قرار دهیم، ممکن است به جد یا عدم موفقیت روبرو شویم. برای مثال اگر بنا باشد که در بررسی «عدم تعهد» و یا «دنیای سوم» تنها به متونی اکتفا کنیم که از طرف کنفرانسهای کشورهای غیر متعهد و یاد گرفته‌ای‌های گروه «۷۷» عرضه میشود، دچار اشتباهات سخت میشویم. در هر مورد

نه فقط شایسته است که متن را از غربال نقد هماهنگی درونی بگذرانیم و سپس آن را با متون دیگری که از همین مبدا رسیده‌اند، مقایسه کنیم، بلکه باید با توجه به سلوک و رفتار سیاسی عملی کسانی که متن مورد نظر را تهیه کرده‌اند به ارزیابی و «تست» صحت و اعتبار سند پردازیم. همین مطلب در تحلیل ایدئولوژی و تبلیغات احزاب و یا حکومتها نیز معتبر است. خطابه را هیچگاه نباید غیر از یکی از قطعات پرونده مورد مطالعه، به حساب آورد، آنها هم قطعه‌ای که باید با احتیاط کامل مورد بهره‌برداری قرار داد.

ب - منابع کتبی غیررسمی

غیر از مدارک و اسناد رسمی منابع دیگر هم باید مورد توجه واقع شود. این منابع در اوضاع و احوال و کشورهای گوناگون کم‌وبیش وجود دارند. «گزارش‌های فراوانی هست که به حساب و زیر نظر ادارات داخلی و سازمانهای بین‌المللی توسط کارشناسان تهیه و تدوین میشود. میتوان این گزارشها را که داسنه آنها نیز بیش و کم گسترده است، به عنوان آن دسته از «کارهای مقدماتی» تلقی کرد که قادرند در سلوک مدیران تأثیر بگذارند. اما باید دانست که محتوای این گزارشها همواره مورد توجه قرار نمی‌گیرند و حتی میتوان گفت که مهمترین گزارشها نیز همیشه به اطلاع عموم نمی‌رسد.

خاطرات و حسب حال‌های گذشته که نویسنده آنها شخصیت‌های صاحب مسئولیت بالا در امور بین‌المللی بوده‌اند، غالباً در برگیرنده اطلاعاتی فراوان از آنگونه‌اند که استحصالیان از طرق دیگر دشوار است. امتیاز این اطلاعات در آن است که عرضه کنندگانشان شاهدانی عینی و مستقیم‌اند. در عین حال این ایراد بر اطلاعات مذکور وارد است که نظرگاه ذهنی مؤلف را اعتبار می‌بخشد و از سیاستی دفاع میکنند و راه و رسمی را برجسته می‌سازند که نویسنده خاطرات در آن وادی گام زده است. خاطرات ژنرال دوگل اثری ادبی و منبعی بی‌نظیر از اطلاعات است اما بویژه هنگامی که حادثه مورد بحث مؤلف - که براریکه قدرت تکیه دارد - در برابر طرح و نقشه وی قد بر میافرازد، این خاطرات را نمی‌توان از کمبود و «تقریب و تخمین» مبری یافت. خاطرات هنری کمی‌سینجر نیز در معرض اعتراضات و ایرادات فراوان واقع شده است؛ به خصوص در آن قسمت که مربوط به دخالت امریکا در کامبوج میشود. در عین حال این خاطرات حاوی اطلاعاتی مهم است، هم در خصوص مذاکرات بین‌المللی امریکا در دوره نیکسون، و هم در باره بده و بستان‌های سیاسی داخلی امریکا.

با این همه بعنوان نتیجه باید گفت این قبیل خاطرات بیشتر مطالبی را عرضه می‌کنند که به شخص مؤلف و موقعیت او و شرایط و طرز عمل وی مربوط میشوند و راستی را نخواهیم در باره واقعیت مسائل کمتر سخن می‌گویند، زیرا به گفته پرمایه یکی از نویسندگان:



بازیگران بزرگ سیاست هیچگاه از نقش خود جدا نمی‌شوند و همواره در صحنه و روبروی مردم قرار دارند و حتی اخلاف خویش را مخاطب قرار میدهند و با آیندگان هم به مذاکره می‌پردازند .

ج - اخبار و اطلاعات رسانه‌ها

در میان منابع نوشته ، باید به توده اخباری هم که از طریق رسانه‌ها منتشر میشوند اشارت کرد . مقصود از رسانه‌ها : خبرگزاریها ، روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون است این گروه در باره امور و مسائل جاری ، طریق عمده وصول به اطلاعات و اخبارند . در اینجا توجه به چند نکته بایسته است : نخست آنکه ، در بسیاری از کشورها که مطبوعات و وسایل سمعی و بصری به صورت ابزار تبلیغات دولتی در می‌آیند ، آزادی عقیده و افکار ، اسطوره است . البته تبلیغاتی از این دست خود میتواند موضوع مطالعه‌ای خاص قرار گیرد و گهگاه نیز آشنائی با استراتژی واقعی مدیران کشور مورد مطالعه را سبب گردد اما نباید این آگاهیه‌ها را با اطلاعات و اخبار یکی گرفت . علاوه بر این میدانیم که بسیاری از کشورهای فقیر توانائی تولید خبر را ندارند ، زیرا دارای وسایل جمع‌آوری خبر و نیز انتشار آن نمی‌باشند بنابراین در شرایطی که این کشورها با جگزار و تابع امواج اطلاعاتی و اخبار رسانه‌های بیگانه‌اند ، به دشواری میتوانند در تغذیه شبکه ارتباطی بین‌المللی دستی و سهمی داشته باشند . و بالاخره مطبوعات کشورهایی هم که نام آزاد بر خود نهاده‌اند ، هر چند حامل و گزارنده توده قابل ملاحظه‌ای از اخبار می‌باشند اما ، اخبار مذکور نیز عموماً با تفسیر همراه است و این تفسیرها به حوادث رنگ و صبغه‌ای خاص میدهند . واقع را بخواهیم ، در اینگونه ساز واره‌ها و وسائل ارتباط جمعی ، خبر، غیرقابل تفکیک از تعبیرات و گزارشهایی است که لزوماً یا آن تباین دارند .

خلاصه آنکه اخبار از قضاوت‌های ارزشی غیر قابل انفکاکند ، و ای — احکام ارزشی نه تنها بر تفسیر اخبار تسلط دارند بلکه بر انتخاب و عرضه آنها نیز حکم می‌رانند بی‌شک ای — ن قسم از عنایت و افکار هم به خودی خود ، در سیدان جستجو و تحقیق قرار می‌گیرند و توجه بدانها بایسته است . اما این مطالب را باید از اخبار « خام » به دقت متمایز ساخت . بنابراین در خصوص پیامهایی که توسط وسایل ارتباط جمعی انتقال می‌یابند باید به کاری ظریف همانند کشف رمز دست یازید . به عبارت دیگر باید آنها را به

د - شهادتهای شفاهی

غالباً محققان برای آنکه منابع نوشته را کامل کنند، ناگزیرند به شهادتهای شفاهی مراجعه نمایند. در مقایسه با کار مورخ، استفاده از این طریقه برای محققان مورد نظر، امتیازی محسوب میشود، اما مشکل کار در آنستکه غالباً صداقت گواه و دامنه گواهی های شفاهی، در حدود مشغولی وی از این جهت است که میخواهد بی هیچ قید و شرطی نام و نشان بدقت محفوظ باشد و در واقع در گمنامی بماند. اما این وضع، موقعیت محقق را به خطر می‌انگیزد و او را خصوصاً هنگامی در تنگنا قرار میدهد که جامعه علمی از وی میخواهد تا برای اثبات آنچه گفته است، منابع خویش را معرفی نماید.^۲

آنچه گفتیم، دشواری برخورد «علمی» با پدیده‌های بین المللی معاصر را نشان میدهد. اما بهر حال این موانع غیر قابل عبور نیستند. کسانیکه در زمینه پرداختن به امور جاری خطر میکنند و با استفاده از روشهای درست وارد معرکه میشوند و به منظور تقرب به واقعیت، به تلفیق منابع متنوع میپردازند، در کار خود موفقیت‌هایی بدست می‌آورند. کوتاه‌سخن، هنگامیکه میخواهیم به بررسی مسائل عصر خود بپردازیم، هیچگاه نباید از توجه به یک رشته از قواعد بنیادی نظیر: ارجاع به منابع، دقت در عرضه وقایع و اطمینان از صحت آنها و رعایت تاریخ و تقویم غافل بمانیم.

۲

بررسی آماری

روش تاریخی تنها موجب دریافت بخشی از پدیده‌های بین المللی است. دقیق‌تر
۱- در مطالعاتی که از مطبوعات رسمی و نیمه رسمی بهره می‌جویند، باید به مسأله خودسانسوری
م توجه داشت و آنرا به حساب آورد. در مواردی که ناشر متون یک سازمان بین المللی است، این
دسانسوری - حتی توسط شخصیت‌های علمی نیز - اجتناب ناپذیر مینماید. خط‌مشی پذیرفته شده توسط
سکو، در این زمینه، صریح است و میگوید: «انتشارات سازمان باید ملهم از اصل احترام متقابل
نورهای عضو به یکدیگر و نیز احترام متقابل دولتها و سازمان باشد. انتشارات مزبور بهیچوجه نباید
روحیه تفاهم و همکاری و تعاون بین المللی لطمه بزند و در جهت مقابل تصمیمات متخذه توسط
سکویا موسسات دیگر - که در نظام ملل متحد قرار گرفته‌اند - حرکت نماید.» (رهنمودهای کنفرانس
سی ۱۹۷۶ - ماده ۹)

۲- یکی از مؤلفان به طرز هوشمندانه این مسأله را حل کرده است. بدین معنی که وی در مقدمه
ب خود میگوید: چون نمی‌تواند، نام اشخاصی را که مورد سئوالش قرار گرفته‌اند، فاش سازد،
این از میان توده اخباری که مطبوعات دوره مورد نظر وی منتشر کرده‌اند، آن دسته از اخبار را بر
بند که میتواند اصالتشان را براساس مصاحبه‌های بعمل آمده، تضمین نماید. در واقع مواجهه‌دادن
شفاهی و منابع کتبی با یکدیگر، روشی شایسته است.

روش مطالعه و بررسی روابط بین‌المللی / ۱۱۷

بگوئیم به تفهیم آن قسمت از امور مدد میرساند که بر آنها عنوان « حوادث و وقایع » می‌نهند. در عین حال می‌دانیم که در عصر حاضر بسیاری از داده‌ها، قابل اندازه‌گیری‌اند و حتی در حیطة آمار و احصاء نیز درآمده‌اند. بنابراین اهمیت بهره‌جوئی از وسایل و ابزار علمی مذکور در این زمینه غیرقابل انکار است، هم از آن جهت که به مطالعه محققان شتاب می‌بخشد و هم از آن رو که امر مطالعه را از ذهنیت‌گرایی مصون میدارد. براستی، بحث و استدلال، در آن هنگام که به عدد و رقم متکی باشد و بر پایه حساب و کتاب استوار گردد، از بیانی مستحکمتر برخوردار میشود. به قول لایب نیش « بحث نکنیم، حساب کنیم ».

جریان محاسبه و استفاده از روشهای کمی، جریانی توانمند است. در نتیجه از سرآن گذشتن و در زمینه مطالعات بین‌المللی تنها به بحث و استدلال کیفی پرداختن، درست نیست. در ضمن با توسل به این مطلب که فاقد وسائل و ابزار تحقیق آماری هستیم، نباید روش مزبور را کنار نهاد و خاطر را با آمیزه‌ای از کشف و شهود و تلفیق مطالب گوناگون مشغول ساخت. لکن نخست باید دید چه مطالبی را میتوان با عدد و رقم بیان کرد، آنگاه در راه محاسبه مطالب مذکور، با استفاده از این روش گام نهاد.

الف - داده‌های قابل اندازه‌گیری

نخستین مسأله ما ایشست که: آیا همه داده‌های مورد لزوم برای مطالعه، قابل اندازه‌گیری هستند یا نه؟ برای کمی ساختن مباحث و اندازگیری داده‌ها، کوشش‌های فراوانی بکار رفته است و سازمانهای بین‌المللی و موسسات خصوصی در این راه گامهایی چند برداشته‌اند.

با مطالعه این مدارک و اسناد روشن میشود که متخصصان هنگامیکه می‌خواهند از داده‌های پایه، به صورت عدد و رقم آگاه شوند، تا چه حد با مشکل روبرو میگرددند علت این امر هم آن است که داده‌های مزبور را خود دولتها عرضه می‌کنند و البته این امر هم پیش می‌آید که دولتها در وضعی قرار داشته باشند که یا این داده‌ها در دسترس آنها نباشد و یا بواسطه آنکه انتشار داده‌ها به شهرتشان لطمه میزند، از ابلاغ آنها سر باز زنند و یا با علم و اطلاع معلوماتی را که منتقل می‌نمایند نادرست باشد. در این حالت نمی‌توان اعداد و ارقام را بی‌گناه دانست برای مثال در خصوص جمعیت، هنوز بسیاری از دولتها دفاتر ثبت احوال و وقایع را در اختیار ندارند و یا به تازگی اعداد و ارقام مربوط به این امور در دسترسشان قرار گرفته است و بنابراین هنوز براساس ارقام مذکور قادر به انجام

۱- از این قبیل‌اند: سالنامه‌هایی که سازمان ملل منتشر میکند و یا گزارشهای سالانه‌ای که از طرف بانک بین‌المللی توسعه و یا « گات » (در مورد تجارت بین‌المللی) و یا O.C.D.E (در خصوص کمک‌مالی) انتشار مییابد.

سرشماری ادواری نمی‌باشند و یا وسائل فنی و امکانات مالی لازم برای محاسبهٔ سکنه در اختیارشان نیست.^۱

همچنین حاصل نمونه‌گیری و تخمین نتایج کلی، براساس این نمونه‌گیری از وضع بهتری برخوردار نیست زیرا واحدهای پایه (یعنی خانواده) که با اتکاء به آنها کار آغاز میشود در جامعه‌های مختلف دارای ساخت یکسان و ارزش آماری واحد نیستند. شباهت خانواده آفریقائی، همراه با شاخه‌های متعددش با خانواده « هسته‌ای » غربی اندک است. در نتیجه ارزیابی گروههای سنی و وضع زناشویی و حتی توزیع افراد بر حسب جنس، از طریق پرسشی‌نامه با اشکال روبروست. از این رو کارشناسان سازمان ملل، به حق، از دشواریهای احصاء سخن میگویند و در مقام بهره‌گیری از اعداد و ارقامی که خود در سالنامهٔ خویش درج می‌کنند، به احتیاط دعوت مینمایند در بخشی از مقدمهٔ سالنامهٔ جمعیت سازمان ملل (چاپ ۱۹۷۸) این مطالب آمده است:

« آمارهائی که بر اساس تاریخ ثبت وقایع تنظیم شده‌اند، چنانچه از بهترین شرایط تدوین برخوردار باشند، در برگیرندهٔ وقایعی هستند که سال قبل از ثبت، اتفاق افتاده‌است. در کشورها یا مناطقی که سیستم ثبت احوال پیشرفته نیست، آمارهائی تنظیم شده گزارشگر حوادثی میباشند که سالها قبل اتفاق افتاده‌اند. آنچه از مدارک و اسناد موجود استنباط میشود، این است که:

تأخیر در ثبت تولد میان ۲ تا ۲۵ سال، کم نیست. البته در بسیاری از موارد تأخیر، بیش از دو تا چهار سال نمی‌باشد. تا هنگامیکه ثبت وقایع با تأخیر صورت می‌پذیرد، آمارهائی که براساس این قسم از داده‌های ثبتی تنظیم میشوند، در سطح بین‌الملل، نه قابل مقایسه با یکدیگرند و نه قابل تطبیق با آمارهائی میباشند که بر اساس تاریخ وقوع واقعه تدوین شده‌اند... حتی در داخل یک کشور یا یک منطقه نیز استفاده از روشی که مبتنی بر محاسبهٔ تاریخ وقایع برحسب زمان ثبت آنهاست (نه تاریخ وقوع واقعی) ممکن است سبب شود که در یک دورهٔ طولانی، قابلیت تطبیق و مقایسه ارقام به خطر بیفتد چنانچه شماره وقایع حیاتی ثبت شده، تا حدود زیاد از سالی به سال دیگر متغیر باشد، در اندازه‌گیری جمعیت و تحلیل گرایشهای آن، نمی‌توان از آمار وقایعی که بر پایه تاریخ ثبت، تنظیم میشود بهره جست. حداکثر کاری که میتوان کرد نشان دادن نوساناتی است که الزام به دادن گواهی تولد و سرگ و ازدواج در حجم کار دفاتر ثبت احوال ایجاد

۱- یکی از نویسندگان روس (گوگول) در مورد وضع نیمه اول قرن نوزدهم رومیه مینویسد:

« به موجب قوانینی که در این امپراطوری لازم‌الاجراء بود، ارواح نیز که دوران زندگی زمینی خود را به سرآورده بودند، در سرشماری به حساب می‌آمدند و تا تجدید نظر بعدی در روی فهرست مالیاتی باقی می‌ماندند، تا موجب کار اضافی دستگاه اداری نشوند... » اما این وضع موجب میشد که بسیاری از مالکان برای سرذگان نیز همچون زنده‌ها مالیات بپردازند.

روش مطالعه و بررسی روابط بین‌المللی / ۱۱۹

می‌کند. بنابراین آماری که برحسب تاریخ ثبت تدوین میشود در مطالعه ملی و بین‌المللی مفید فایده‌ای اندک است.

در بسیاری از کشورها یا مناطق، ارقام توزیع جمعیت برحسب سن و جنس، حاوی نکاتی غیر صحیح است که از جمله میتوان به نکات زیر اشاره نموده:

۱- اشتباهات ناشی از نبودن گروههای سنی کمتر از یکسال و اطفال کوچک در آمار
 ۲- متمرکز شدن اطلاعات بر روی سنینی که به ارقام ۰ و ۵ ختم میشود (یعنی ۰-۱۰-۱۵-۲۰-۳۰-۴۰-۵۰-۶۰-۷۰-۸۰-۹۰-۱۰۰).

۳- اهمیت سنین زوج (مثلاً ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۶، ۴۸، ۵۰، ۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۴، ۷۶، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۴، ۸۶، ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰).

۴- فاصله قابل ملاحظه و غیر منتظره، در خصوص برخی از سنین، میان داده‌هایی که مربوط به مردان است و اطلاعاتی که مربوط به زنان میشود.

۵- اختلاف فاحش میان داده‌هایی که مربوط به گروههای سنی مجاور یکدیگرند، (که تبیین وجود این اختلاف نیز دشوار است).

چنانچه در مورد گروههای سنی و جنسی یکسان، آمار سرشماریهایی که در پی یکدیگر انجام یافته‌اند مقایسه شود و توزیع سنی و جنسی جمعیت در هر سرشماری مطالعه گردد میتوان به وجود اطلاعات ناصحیح مذکور در فوق و نیز نادرستی‌های دیگری برد. یادآوری این نکته بجاست که برخی از این اشکالات و اشتباهات را در درجات و مراتب مختلف، حتی در پیشرفته‌ترین سرشماریها نیز، میتوان بازیافت.

به اشکالات و دشواریهای مزبور باید عرضه نکردن عمده اطلاعات را از طرف دولتها، در هنگامی افزود که دولتها از بهره‌برداری نامطلوب بیگانگان از این اعداد و ارقام خوف داشته باشند. برای مثال از سال ۱۹۴۷ به این طرف، در آمارهای روسیه هیچ نشانی از اطلاعات مربوط به نرخ مرگ و میر نوزادان و کودکان یافت نمیشود. مطالعه در باره مهاجرت بین‌المللی هم با دشواریهای عمده روبروست، به ندرت، آمار کشورهای مبدأ (مهاجر فرست) با آمار کشورهای مقصد (مهاجر پذیر) با یکدیگر مطابق می‌افتند. غالباً، تنظیم صورت‌مهاجرت‌های موسمی و مهاجرت‌های قطعی، ناممکن است، زیرا حرکت بازگشت به کشور مبدأ، در طول زمان صورت می‌گیرد و بنابراین محاسبه آن در آمارهای کلی دشوار است.

۱- بلژیک تعداد کسانی را که میان سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۳ از آنجا به آمریکای شمالی مهاجرت کرده‌اند، ۲۴۷۱۷ تن ثبت نموده است، حال آنکه آمریکا و کانادا در طول همین مدت، تعداد بلژیکی‌های مهاجر را ۵۳۲۷۹ تن ثبت کرده‌اند.

آلمان فدرال بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۹ رقم ۱۹۰۱۹۶۰ تن ایتالیایی را که به آلمان مهاجرت نموده‌اند ثبت کرده است، در صورتیکه مقامات ایتالیا تنها به رقم ۸۰۵۵۴۳ نفر مهاجر به مقصد آلمان اشاره میکنند.

بدین ترتیب کارشناسان بین المللی حق دارند که در این باب نیز به رعایت احتیاط دعوت کنند، بطور خلاصه میتوان گفت که آمار مهاجرتهاى بین المللی کمتر از آمارهای دیگر مربوط به جمعیت، یعنی تولد و مرگ و میر، رضایت بخش است.^۶

آنچه گفته شد، مشکلات « فنی » آمارهای جمعیتی است و مربوط به روش بررسی و یا انتخاب ضوابط است. اما هنگامیکه محاسبات و یابن بستهای سیاسی هم بر این مشکلات افزوده میشود، کار بررسی دشوارتر میگردد، مدت های مدید چینی ها جمعیت کشور خود را در هاله ای از ابهام نهاده بودند. میان دو رقم رسمی یکی سرشماری ۱۹۵۳ (یعنی ۵۸۲ میلیون) و دیگری سرشماری ۱۹۸۰ (۹۵۷ میلیون) و در فاصله این دو سرشماری، خیالبافانه ترین تخمین ها و ارزیابیها بعمل آمده است. اشاره به ناآگاهی چینی ها، یا قصد تأثیر نهادن بر روحیه دشمن، از طریق دست کم گرفتن یا دست بالا گرفتن آگاهانه ارقام، از جمله این ارزیابیها بوده است. محاسبه تعداد جمعیت لبنانیها نیز به دلائلی دیگر ناممکن است. از ۱۹۳۴ به این سو هیچ گونه سرشماری رسمی در لبنان به انجام نرسیده است. زیرا دست زدن به سرشماری خطر آن را در برداشته است که تعادل تحمیلی میان گروههای مذهبی را در زمینه تقسیم مسئولیت های حکومتی، که علی الاصول نیز ناپایدار و شکننده بود، بر هم بزند و مورد تردید قرار دهند. علاوه بر این باید دانست که بخشی از اتباع لبنانی بطور دائم خارج از لبنان و بویژه در افریقا و امریکای لاتین بسر میبرند.

با توجه به این شرایط، رقم سه میلیون، بعنوان جمعیت لبنان که در آمارهای ملل متحد ذکر میشود چه معنا و ارزشی میتواند داشته باشد؟ وقتی نقص فنی و دشواریهای سیاسی، قابلیت اعتماد به آمار جمعیتی را مخدوش میسازد، بطریق اولی این وضع به اعتبار آمارهای اقتصادی و اجتماعی نیز لطمه میزند.

از این نظرگاه، ملاحظه گزارش سالانه مربوط به توسعه، که بانک جهانی در ۱۹۸۰ تنظیم کرده، قابل توجه است از سر این مطلب می گذریم که کامبوچه ای دموکراتیک (یعنی کامبوچ) و یا جمهوری دموکراتیک خلقی لائو (یعنی لائوس) در موقعیتی نبوده اند که بتوانند رقمی در باره رشد تولید ناخالص ملی سرانه خود و یا نرخ سالانه تورم و نرخ افراد بالغی که به مدرسه رفته و سواد دارند بدست بدهند. اما رازداری جمهوری کره و یا عربستان را در مورد دو رقم اخیر نمیتوان به حرج و مرج سیاسی داخلی و یا توسعه نیافتگی نسبت داد. کشورهای سوسیالیستی (روسیه اروپای شرقی، چین و کوبا) نیز بطور نظام یافته از دادن اطلاعات لازم خودداری می کنند. ستونهای مختلف مربوط به نرخ

(6)- O.N.U. Département des affaires économiques et sociales. Etudes démographiques et sociales. Tendances et Caractéristiques des migrations internationales depuis 1950. New York 1980

روش مطالعه و بررسی روابط بین‌المللی / ۱۴۱

متوسط سالانه تورم و نرخ متوسط سالانه رشد در بخشهای گوناگون و نرخ متوسط سالانه رشد سرمایه‌گذاری و مبلغ وامهای خارجی و تراز پرداختها فاقد اطلاعات مربوط به کشورهای سوسیالیستی اند.

در ضمن نظر به اینکه نتایج حاصل از این آمار را مقامات دولتی تصدیق نمی‌کنند همواره محل بحث و تبلیغات باز میماند و کار مقایسه و تطبیق را دشوار یا غیر ممکن مینماید. در مورد معانی ارزیابیهایی که دولتها خود به عمل میآورند، باید احتیاط پیشه کرد. اعلام درآمد سرانه کم یا زیاد، دربرخوردها مؤثر است. دربرخی موارد ارقام یاد شده عملاً با مرحله مطلق و کامل فقر مرتبط است. و این در صورتی است که فقر غذایی و گرسنگی جنبه بومی و بیمارگونه داشته باشد. در موارد دیگر باید بررسی کرد و دید که آمار مذکور بر حسب چه ضابطه‌ای تنظیم شده و مبلغ تولید ناخالص ملی چگونه محاسبه گردیده است. علاوه بر این در همه موارد شایسته است رابطه میان نیازهای جمعیت و شرایط زندگی و تولید محلی مورد مطالعه قرار گیرد. یک روستائی بنگلادشی با ۹۰ دلاز تنها میتواند چند روز در نیویورک یا پاریس زنده بماند، اما این بدان معنی نیست که وی در محیط خود نیز محکوم به چنین سرنوشتی است.

امتیاز عرضه اخبار و اطلاعات اقتصادی توسط دولتها، میدان مانور در قبال دیگران (سازمانهای بین‌المللی، عرضه کنندگان کمکهای عمومی و خصوصی) را برای هر یک از دولتها هموار میسازد. ارزیابیهایی که گزارشگر کاهش و افت است برانگیزنده نوعی همکاری و کمک است اما موجب احتراز از سرمایه‌گذاری خصوصی و حتی عمومی میشود. نتایج تشویق آمیز ممکن است نظر صاحبان سرمایه را جلب کند اما این خطر هست که به تقاضای کمک و همکاری لطمه بزند. از طرف دیگر کشورهای صنعتی با دستکاریهایی که در محاسبات خود بعمل میآورند مبلغ اعتباراتی را که به توسعه کشورهای دیگر اختصاص میدهند متورم میسازند و در این کار کوچکترین تردیدی به خود راه نمی‌دهند. دولت فرانسه تا ماه مه ۱۹۸۱ برای وصول به هدف اعلام شده - که اختصاص ۷٪ درصد از مبلغ تولید ناخالص ملی خود به توسعه بود، مبالغی را هم که به بخشها و سرزمینهای ماوراء بحار تخصیص داده، محاسبه کرده است، حال آنکه از لحاظ سیاسی این بخشها و سرزمینها را در میدان حاکمیت ویژه خود قرار میدهد.

وقتی بر این دلائل نظر کنیم میتوانیم گفت که ارقامی که سازمانهای بین‌المللی به محققان عرضه میکنند، فقط باید بعنوان ارقامی لحاظ شوند که میتوان به آنها توجه کرد.

۱- یادآور میشویم که در مورد توزیع درآمد میان خانوادهها نیز بانک جهانی فقط میتواند آمار مربوط به ۵ کشور از ۷۰ کشور را که درآمد کم یا متوسط دارند، عرضه نماید. در این باب هیچ نشانه‌ای از طرف کشورهای سوسیالیست و کشورهای صادرکننده نفت، بدست داده نشده است.

اما بر این مبانی - کاملاً متزلزل - نمی توان محاسبات عالمانه را بنیاد نهاد . برای مصون ماندن از این خطر، باید وسائل و ابزاری را جستجو کرد که با یاری آنها بتوان داده های رسمی را نقد کرد و ارقام مطمئن تری را جانشین آنها ساخت .^۱

ب - داده های غیر قابل اندازه گیری

از جمله موانع بر سر راه کمی ساختن و اندازه گیری مربوط به آنستکه برخی از داده ها ، قابلیت اندازه گیری ندارند ، اما در عین حال سعی میشود تا به نحوی از انحاء آنها را در این میدان قرار دهند .

دو تن از نویسندگان آمریکائی کوشش کرده اند موفقیت کشورها را در سلسله مراتب قدرت تنظیم و بصورت مشخص گزارش نمایند . مؤلفان برای رسیدن به مقصود خویش پنج علامت یا شاخص را برگزیده اند . از این پنج شاخص ، سه شاخص تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص ملی سرانه و تعداد جمعیت قابل اندازه گیری است و دو شاخص دیگر ، یعنی استعداد نیروی هسته ای و پرستیژ ، به سختی اندازه پذیر است . سه شاخص نخست به ترتیب زیر درجه بندی شده و به هر درجه وزن خاصی اعطاء گردیده است .

اول - تولید ناخالص ملی (به میلیون دلار)

۱- زیر ۰/۹	۵- از ۱۰ تا ۱۹/۹	۹- از ۶۰ تا ۹۹
۲- از ۱ تا ۳/۹	۶- از ۲۰ تا ۲۹	۱۰- از ۱۰۰ تا ۱۹۹
۳- از ۴ تا ۶/۹	۷- از ۳۰ تا ۳۹	۱۱- از ۲۰۰ تا ۴۹۹
۴- از ۷ تا ۹/۹	۸- از ۴۰ تا ۵۹	۱۲- بالاتر از ۵۰۰

دوم - تولید ناخالص ملی سرانه

۱- زیر ۲۰۰ دلار	۳- از ۶۰۰ تا ۹۹۹ دلار
۲- از ۲۰۰ تا ۵۹۹ دلار	۴- بیشتر از ۱۰۰۰ دلار

سوم - جمعیت (به میلیون)

۱- زیر ۲	۳- از ۲۰ تا ۵۹	۵- از ۱۰۰ تا ۲۴۹
۲- از ۲ تا ۱۹	۴- از ۶۰ تا ۹۹	۶- بیشتر از ۲۵۰

۱- شگفت آنکه در زمینه تولید و تجارت اسلحه که از روی عادت زیر پوشش اسرار نظامی قرار دارد ، کاملترین اطلاعات - اگر نگوئیم دقیق ترین اطلاعات - را در اختیار داریم . مطالعات دو مؤسسه استکهلم : لندن : Stockholm International Peace Institute London Strategic Studies Institute
این آگاهی ها را در اختیار می گذارند . اما همواره فاصله ای میان واقعه و انتشار اطلاع مربوط به آن در این مدارک و اسناد با ارزش وجود دارد .



دو عامل دیگر نیز که تنها با توجه به ضوابط کیفی قابل درجه بندی اند بشرح زیرند :

چهارم - قدرت اتمی (هسته‌ای)

- هیچ امکانی پیش بینی نمیشود .
- ۱- آمادگی برای بدست آوردن اسلحه هسته‌ای در حوالی ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵
- ۲- داشتن سلاح هسته‌ای
- ۳- آمادگی توسعه مرحله دوم نیروی ضربتی

پنجم - پرستیژ

- سیاست خارجی غیر مستقل
- ۱- تعهد در چهارچوب یکی از اتحادیه‌ها
- ۲- بی طرف یا غیر متعهد
- ۳- رهبر یک اتحادیه

با تلفیق این دو گروه از نشانه‌ها و جمع بندی رتبه‌ای که در هر یک از پنج شاخص به هر یک از دولت‌ها اعطاء شده است ، ملاحظه میشود که فی‌المثل کشوری مانند فرانسه بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ ، از ردیف چهارم به ردیف سوم ارتقاء پیدا کرده است . استفاده از این نشانه‌ها تغییراتی را که در سلسله مراتب قدرت در ضمن دو دوره حاصل شده است ، بیان می‌کند :

۱۹۶۷	۱۹۵۸	۱۹۵۰ - ۱۹۵۳
۱- اتازونی	۱- اتازونی	۱- اتازونی
۲- شوروی	۲- شوروی	۲- شوروی
۳- فرانسه	۳- انگلیس	۳- انگلیس
۴- چین	۴/۵- چین	۴- فرانسه
۵- ژاپن	۴/۵- فرانسه	۵- چین
۶- انگلیس	۵/۶- آلمان غربی	۶- کانادا
۷- آلمان غربی	۶/۶- هند	۷- آلمان غربی
۸- ایتالیا	۸/۵- کانادا	۸- هند
۹/۵- هند	۸/۵- ایتالیا	۹- ژاپن
۹/۵- کانادا	۱۰- ژاپن	۱۰- استرالیا
...

محاسبه زیر نشان میدهد که تغییر موقعیت فرانسه ناشی از بهتر شدن وضعیت وی در زمینه داشتن سلاح هسته‌ای و بالا رفتن پرستیژ وی در نتیجه کناره‌گیری اش از پیمان آتلانتیک در ۱۹۶۶ و بنا بر این گذار وی به سکوی کشورهای غیر متعهد است :

ارزیابی موقعیت

۱۹۶۷	۱۹۵۸	۱۹۵۰ - ۱۹۵۳
۱۰+۴+۲+۲+۲	۹+۴+۲+۱+۱	۸+۴+۲+۱+۱
= ۲۰	= ۱۷	= ۱۶

اما در مقام نقد باید گفت که این مطالعه افراط در اندازه‌گیری ساختگی و تصنعی را به خوبی نشان میدهد. نه تنها انتخاب ضابطه‌های یاد شده خودسرانه است بلکه تلفیق رقم مربوط به جمعیت و میزان پرستیژ را نمی‌توان کاملاً جدی تلقی کرد. به فرض آنکه بتوان برای سلسله مراتب قدرت دولتها یک ارزیابی علمی پیدا کرد. دشوار است که تقویم مذکور را بر اساس محاسبه‌ای تا این اندازه تخمینی و تقریبی استوار ساخت. متأسفانه غالباً نتایج مبتنی بر عدد با آنکه این چنین محل بحث و تردید واقع میشوند، معذک و وارد ماشینهای حسابگر میشوند و سپس نتایج محاسبات از ماشین استخراج میشود و این نتیجه علمی خواننده و دانسته میشود. چون با عدد و رقم بیان گردیده است.

ج - انتخاب داده‌های مورد مطالعه

مطلب سومی که با اندازه‌گیری و کمی ساختن مباحث ارتباط دارد، انتخاب داده‌های مورد مطالعه است. روش آماری از این امتیاز آشکار برخوردار است که میتواند میدان عمل نامحدودی از فرضیه‌ها را، به منظور تهیه منحنی‌ها و محاسبه و یا شاخص‌های همبستگی، عرضه نماید. در تمامی سمت‌ها و محورها، راه هرگونه تحقیق باز است. با اینهمه باید پرسید، کدام راهها هستند که مستعد رساندن ما به نتیجه‌ای معنی‌دار میباشند. البته این مطالب مربوط به فنون آماری نمیشود، بلکه به تشخیص و تمیز مسأله معنی‌دار توسط محقق، مربوط است بهر حال تجربه نشان میدهد که اهمیت تحقیقات بیشتر به طبیعت و ماهیت مسأله مورد مطالعه بستگی دارد و کمتر در گرو وسایل پیشرفته و محیرالعقولی است که مورد بهره‌برداری قرار میگیرد.

دو تن از مؤلفان در مطالعه کاوشگرانه خود به مقایسه پیشرفت تصاعدی تعداد دولتها شماره سازمانهای بین‌الدول از آغاز قرن نوزدهم تا زمان معاصر پرداخته‌اند. یادآور میشویم که این مطالعه بر اساس تدوین و تنظیم دقیق داده‌های پایه‌ای استوار شده است

و به خصوص مفاهیم دولت و سازمانهای بین‌الدول که در طی دوره مطالعه تحول بسیار یافته، بدقت بررسی شده‌اند. (شکل ۱) روشن است که تنظیم منحنی‌ها و برقراری مقایسه‌های لازم بدون این مطالعه مقدماتی امکان‌پذیر نیست و اهمیت این مطالعه بر کسانی که بررسی تاریخ سازمانها و ساخت روابط بین‌المللی را مدنظر دارند واضح است. با وجود همه این دقتها، بنظر نمی‌رسد، شاخص همبستگی پرمایه‌ای که حاصل این تحقیق است معنی چندانی در برداشته باشد، البته این مطلب که افزایش تعداد سازمانهای بین‌الدول از لحاظ ریاضی، با رشد تعداد دولتها همبسته است و در ارتباط با یکدیگر تغییر می‌کند، یک امر محرز در میان بسیاری از احرازهای دیگر است اما آیا میتوان از این مطلب به این پیش‌بینی رسید که تثبیت تعداد دولتها (چنانچه مسلم شود) لزوماً با توقف افزایش تعداد سازمانهای بین‌الدول متناظر خواهد بود؟

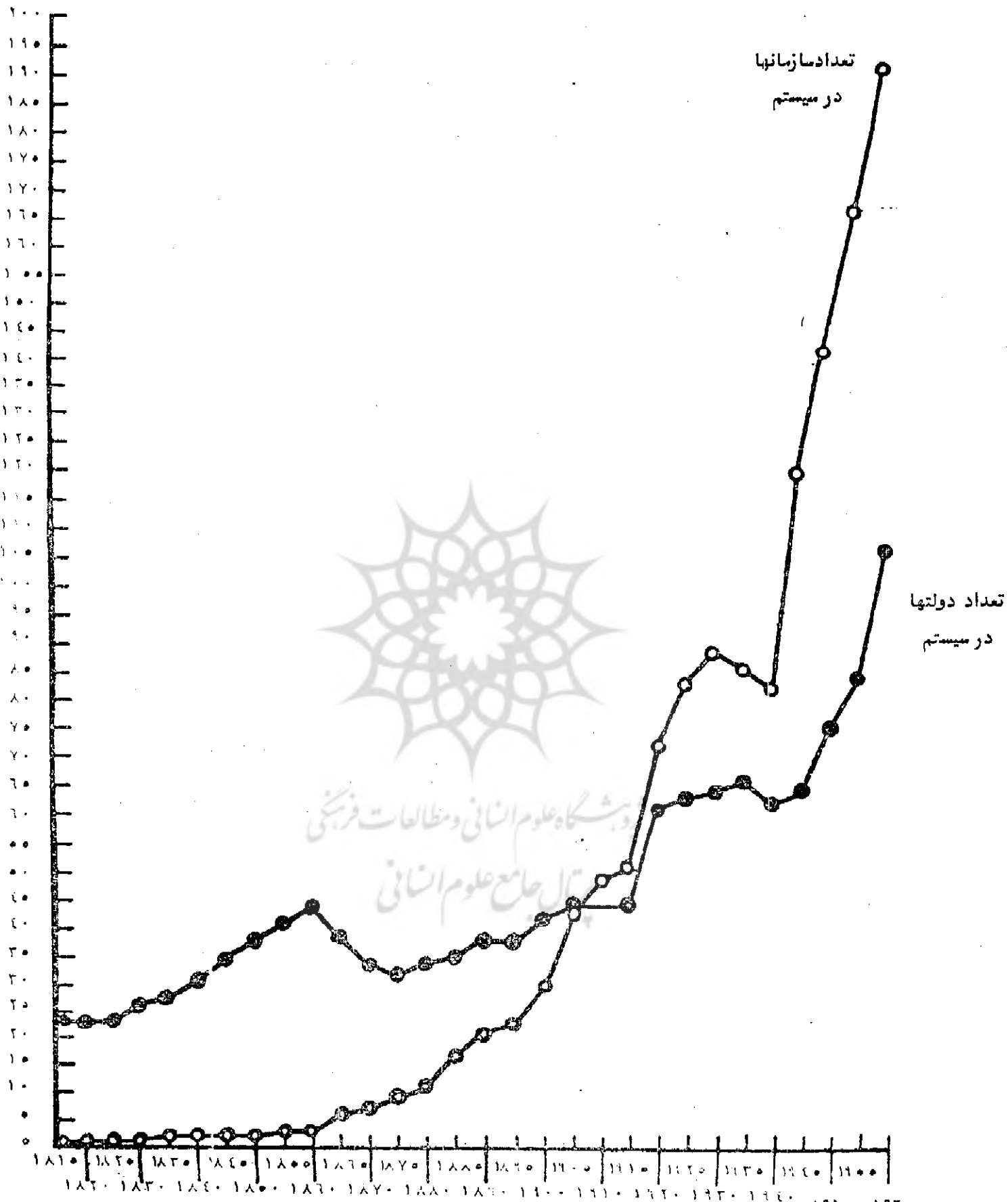
چنانچه در این تحقیق متغیرهای دیگری به کار گرفته میشد و مثلاً به جای افزایش تعداد دولتها، رشد مبادلات میان آنها بعنوان متغیر انتخاب می‌گردید آیا وضع گذشته بهتر تبیین میشد و برآبنده پدیدار تأسیسات مربوط به روابط بین‌المللی پرتو بیشتری نمی‌افتاد؟ در واقع برای آنکه برداشش کمی داده‌ها مفید فایده باشد باید متغیرهایی که انتخاب میشوند، معنادار باشند.

مثال بهتری که مؤید این مطلب است، مطالعه جاه طلبانه دو مؤلف آمریکائی در خصوص جستجوی عواملی است که راه نزدیک شدن دولتها به یکدیگر را هموار می‌سازند.^۹ بدین منظور مؤلفان به انتخاب دو نمونه دست یازیده‌اند، یکی از این دو نمونه دربرگیرنده پنجاه دولت است که در مورد آنها بدست آوردن اطلاعات لازم امکان داشته است و نمونه دیگر اعضاء اتحادیه آتلانتیک را در بر می‌گیرد، اعضائی که در خصوص آنها فرض بر ظهور و بروز همبستگی پیش است. البته مقرر شده بود که نتایج حاصل در خصوص این دو نمونه با یکدیگر مواجهه داده شوند. در داخل هر یک از این دو دسته، مؤلفان کوشش کرده‌اند که از یکسو فهرست عواملی را تنظیم کنند که یاریگر نزدیک شدن دولتها به یکدیگرند و از سوی دیگر، به تدوین ضابطه‌هایی دست زنند که به اندازه‌گیری شدت و عمق روابط بین دولتها دستیاری می‌کنند.

در ذیل عنوان اول، دوری یا نزدیکی جغرافیائی و همگنی یا ناهمگنی رژیم‌های سیاسی و نظامهای فرهنگی و سطح مبادلات اقتصادی و درجه توسعه و قدمت روابط و... فهرست شده‌اند. هر یک از این عوامل موجب تنظیم شاخصهایی میشوند که تا حد ممکن اندازه‌گیری شده و کمی گردیده‌اند. بدین ترتیب فاصله جغرافیائی با توجه به دوری مرکز

(9) ROGER W. COBB et CHARLES ELDER, International community. A regional and global study, Holt, Rinehart et Wilson, New York. 1872

شکل (۱) : رشد مقایسه‌ای تعداد سازمانهای بین‌الدول و تعداد کشورها از ۸۱۵ بعد (*)



MICHEL WALLACE et J. DAVID SINGER, «Intergovernmental Organization, in the Global system, 1815-1964: A Quantitative description in International organization. 1970. No2. (*) - منبع:

روش مطالعه و بررسی روابط بین‌المللی / ۱۲۷

اداره دو کشور و میزان توسعه با عنایت به رقم تولید ناخالص ملی گزارش میشوند. درباره ضابطه‌ای که مربوط به شدت و عمق روابط است باید گفت که این امر از یکسو به تعداد عهدنامه‌هایی که بین دو کشور منعقد شده است مرتبط میگردد و از سوی دیگر به تعداد متغیرهایی مربوط میشود که حالت مبادلات خصوصی میان این کشورها را بیان می‌کند، از قبیل این مبادلات و معاملاتند: رد و بدل پیامها (نامه ، تلگراف ، ارتباط تلفنی و تلکس) مبادله اموال (تجارت) جابجائی اشخاص (مبادله دانشجویان و جهانگردان (توریست‌ها) شرکت در سازمانهای غیر دولتی و حاصل این جستجو که در شکل ۲ عرضه شده است ، خالی از فایده به نظر نمیرسد .

مؤلفان توانسته‌اند نشان دهند که عمق و شدت روابط موجود میان دولتها تابع عواملی هستند که اهمیت آنها مساوی نیست و برحسب نمونه مورد مطالعه نیز اثرشان لزوماً یکسان نمیباشد . در نتیجه نقش و سهم و اثر وزن سوابق و سنن دیپلماتیک و مشابه بودن سطح و میزان توسعه ، در همکاریها و تعاون بین دولتها عمده‌تر از ثبات رژیم سیاسی و یکسان بودن آن در میان دو دولت است . قدرت جاذبه نزدیکی جغرافیائی، در مورد نمونه کلی، بیشتر از قدرت آن در نمونه محدود به اتحادیه آتلانتیک است . این نکات ، نتایج قابل ملاحظه‌ای هستند، به خصوص در آن هنگام که این نتایج را (که به ابزار آماری پرحجمی متکی میباشند) با تردید ارزیابیها و تخمین‌هایی مقایسه کنیم که در عرف عام در مورد این مسأله وجود دارد .

مثال سوم ، مربوط به مطالعه رشد نظام دیپلماتیک افریقا در دهه ۱۹۶۰ است. یکی از محققان کامرونی^۱ درصدد برآمده است که هماهنگی شبکه روابط بین کشورهای نو استقلال و جوان افریقا ، و نیز سلسله مراتب موجود در این شبکه را مطالعه کند . برای این منظور وی یک رشته از علائم و نشانه‌ها را که براساس مبادله هیأت‌های دیپلماتیک و شرکت دولتها در سازمانهای بین‌المللی دائمی و بالآخره برپایه تماسهای دو جانبه یا چند جانبه بین‌المللی استوارند ، برگزیده است . با توجه به طبقه‌بندیهاییکه که براساس این علائم بدست آمده‌اند ، مؤلف به دو نتیجه میرسد : از یکسو ، نظام دیپلماتیک افریقا ، دست کم در دوره مورد مطالعه ، یک نظام « برون‌گرا » است یعنی متوجه خارج و خصوصاً متوجه اروپاست . از سوی دیگر در عرصه فعالیت دیپلماتیک افریقا ، برخی از

(10) - Augustin KONTCHOU - KOUOMEGNI , Le système diplomatique africain. Pedone, 1977 .

شکل (۲) : عوامل تنوع و همکاری میان دولت‌ها
(شاخص های همبستگی در دو نمونه برحسب عوامل مختلف مورد توجه)

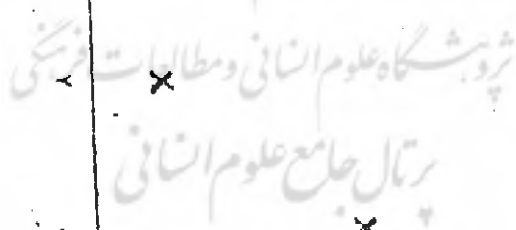
شاخص همبستگی

۱۰۰																				
۹۰																				
۸۰																				
۷۰																				
۶۰																				
۵۰																				
۴۰																				
۳۰																				
۲۰																				
۱۰																				
۰																				
۱																				
۲																				
۳																				
۴																				
۵																				
۶																				
۷																				
۸																				
۹																				
۱۰																				
۱۱																				

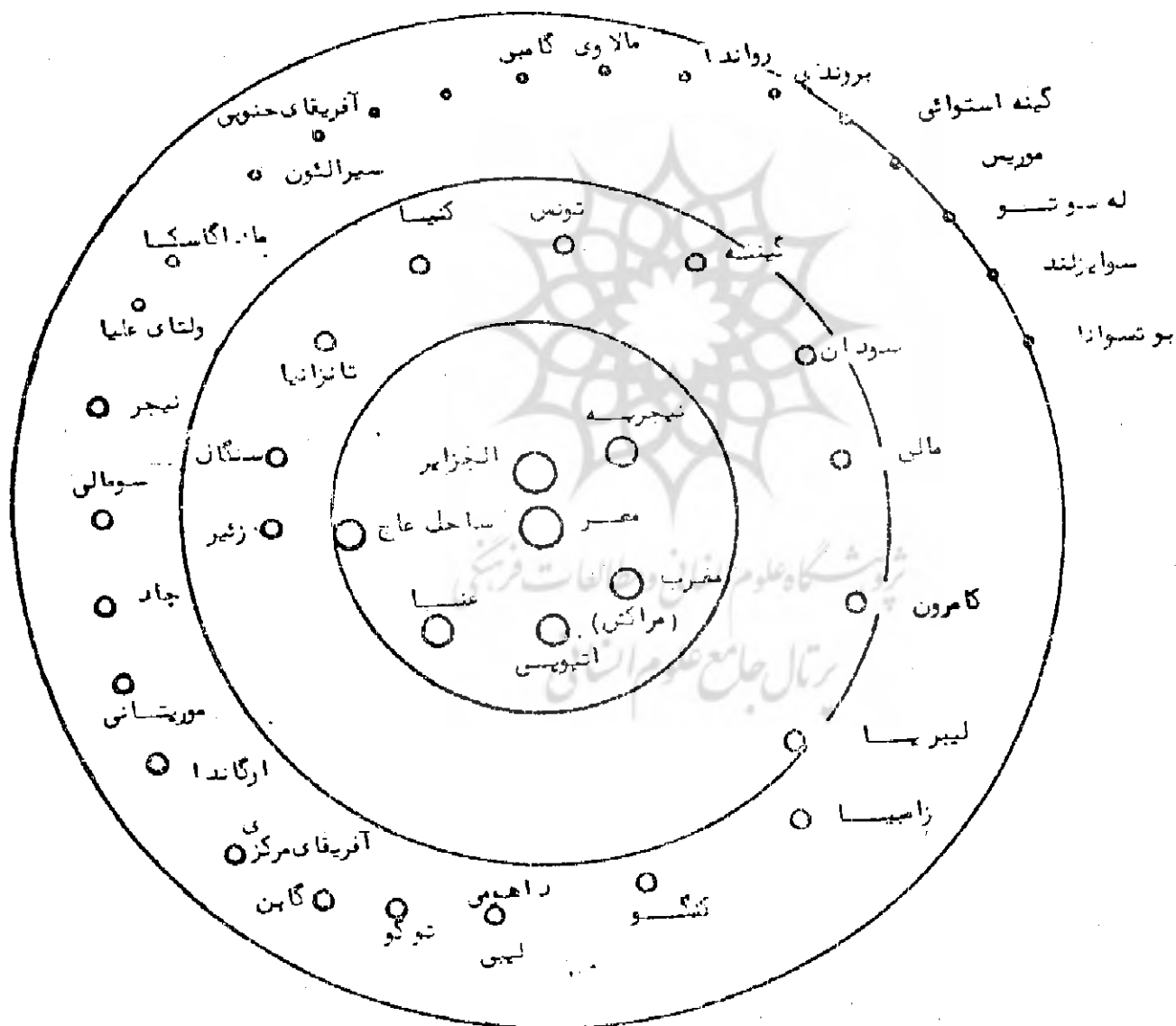
نمونه « اتحادیه آنالزیکی » - NA
نمونه کلی یا جامع - X

فهرست عواملی که در هر یک از دو نمونه منظور شده‌اند :

- ۱- قرب جغرافیایی
- ۲- یکی بودن ارزشهای سیاسی
- ۳- وحدت فرهنگی
- ۴- تاریخ مشترک
- ۵- وضع بیزستی اجتماعی
- ۶- سطح رشد و توسعه
- ۷- ثبات سیاسی
- ۸- قدرت نظامی
- ۹- قدرت اقتصادی
- ۱۰- تجهیزات اداری و سازمانی
- ۱۱- سابقه همکاری



کشورها هستند که قطب تأثیر و جاذبه و نفوذ میباشند (شکل ۳).
 مثالهایی که گزارش آنها در سطور پیش آمد، نمونه‌هایی از مطالعات مؤسس براساس روشهای کمی‌اند. اما تحت همین عنوان میتوان به استفاده از تکنیک تکلف آمیز تحلیل محتوی در خصوص گفتارها و خطابه‌های سیاسی اشاره کرد. علاوه بر این توجه به لغت‌نامه‌های سیاسی نیز ممکن است با مطالعه زبان به‌طور قابل استفاده‌ای کامل شود. در این باب یکی از مؤلفان به استفاده از منابعی اشارت میکند که سمیوتیک میتواند در زمینه مطالعه روابط بین‌الملل عرضه نماید.



شکل (۳) : چهره نظام دیپلماتیک افریقا (۱)

از مرکز به حاشیه، نفوذ دولتها به ترتیب کم و کمتر میشود.

کوتاه سخن افق و چشم اندازی که تحقیق کمی در برابر ما می‌گشاید، وسیع و پرمایه

است و بنابراین شایسته است که محققان به بهره‌برداری بیشتر از آن بپردازند.

معدنک کمی ساختن مسائل نیز الزامات خاص خود را داراست این اقتضات را غالباً شاگردان تازه کار و ناآزموده نمی‌شناسند. علاوه بر این کمی ساختن مطلب حدود و ثغوری دارد و با آنکه این تکنیک سبب میشود که از میدان مشاهده مستقیم به عرصه بررسیهای دقیق تر گام بگذاریم، اما مسأله مربوط به تفسیر پدیده‌های بین المللی را همچنان لاینحل باقی میگذارد و این همان مطلبی است که در بخش بعد باید بدان پردازیم.

ترجمه و تعریف: حسین یقظان

* نام و نشان متن اصلی کتاب به زبان فرانسوی به شرح زیر است:

Marcel MERLE

SOCIOLOGIE DES RELATIONS INTERNATIONALES, 30. éd: Paris, Daloz, 1982.

XI + 527P (PP: 93 - 113)

